

۶ - مهاجرت ، از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهر های کوچک به شهر های بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می باشد (تاثیر حاشیه نشینی بر وقوع جرم، ۱۳۸۳)

۷- در شکل گیری مناطق حاشیه نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تاثیر عملکرد ادارات و دستگاههای دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت .

برخی از اراضی داخل یا خارج شهر ها متعلق به سازمانها و ادارات دولتی و عمومی از جمله شهر داریها ، سازمان مسکن و شهرسازی ، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی می باشد . شناسایی حدود اربعه آن و حفاظت از آن حائز اهمیت است در پاره ای موارد در پرونده های مطرحه در دادگاهها مشاهده می شود که اراضی دولتی مورد تصرف و تعرض افرادی سود جو واقع شده و حتی به کرات و بصورت متعدد مورد خرید و فروش واقع شده و همچنین در مواقعی مورد ساخت و ساز قرار گرفته ولی ادارات یا نهاد های یاد شده اطلاعی از چنین اقداماتی حاصل نمی نمایند . و به تبع آن در تعقیب عامل یا عاملین جرم بر نمی آیند و یا مواقعی اقدام می نمایند که اراضی آنها طی ایادی متعددی منتقل شده و در زمان طرح شکایت به لحاظ پیچیدگی موضوع و نقل و انتقالات متعدد و سپری شدن مدت طولانی از زمان تصرفات اراضی دولتی رسیدگی قضایی مستلزم صبر و حوصله و دقت بیشتر و زمان نسبتاً طولانی می باشد. و چه بسا این تصرفات و تعارضات به اراضی دولتی موجب تجزیه آن و رواج ساخت و ساز های غیر مجاز و نتیجتاً شکل گیری حاشیه نشینی می شود .

در کل می توان نظریات در مورد علل حاشیه نشینی را به دو گروه تقسیم کرد:

الف) کارگردگراها و لیبرالها

عمدتاً خاص کشورهای که با نظام اقتصاد آزاد اداره می شوند، به ویژه ایالات متحده امریکا است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکرد گرایی می باشند، علت عمده ی حاشیه نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه های شهری و دافعه های روستایی به شمار می آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می آورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آنها موجب می شود که آنها مجبور شوند آلودگیها و زاعه های را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند.»

برخی دیگر از کارکرد گرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تأکید نموده اند، به عنوان مثال هوم هویت (Home Hoyt) عوامل فیزیکی، مانند زمین های رها شده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز (Abrams)، بالابودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و زاعه نشینی می دانند.

ب) دیدگاه ساختارگرایان و رادیکالیست ها

رادیکالیست ها، که عمده تاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می باشد، با کارکردگراها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف کارکردگراها، این مهاجرت ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می دانند. تحلیل گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه ی بازار وارد می شوند... تولیدات بومی... جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و... جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمد، موج های عظیم مهاجرتی را موجب می شوند.»

یکی دیگر از عواملی که به عقیده ی رادیکالیست ها، زمینه ی حاشیه نشینی را فراهم می آورد، اقتباس کشورهای در حال توسعه از الگوهای توسعه ی کشورهای سرمایه داری صنعتی می باشد. این تحلیل گران معتقدند چنین الگوهایی به دلیل آنکه صنعت محور هستند، ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در هم می ریزد. یکی از نتایج منطقی چنین الگوهایی (مانند: الگوی توسعه ی خطی روستو و راهبرد قطبی رشد)، که توسط مکتب نوسازی (Modernization) تبلیغ و ترویج می شود، افزایش جمعیت شهری و

ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی، آن هم در شرایطی است که به دلیل برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی، بخش کشاورزی تحت‌الشعاع صنعت مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌نماید.

دیدگاه نوسازی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است، یکی از عوامل مهم برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند.»

به طور کلی می‌توان گفت تحلیل گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی و زاغه نشینی را تبیین نمایند. (احمدیان ۱۳۸۳)

درمورد خاص ایران باید عوامل مهاجرت از روستا به شهر را باید در سه سطح بررسی کرد:

۱) در سطح فراملی: برون‌زا بودن اقتصاد و وابستگی به نظام اقتصاد جهانی؛ هر چند با تحولات بعد از انقلاب، تلاش‌های موفقیت‌آمیزی در جهت کاهش این وابستگی به عمل آمده است.

۲) در سطح ملی: عدم توجه کافی به نقاط روستایی و بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور. در این مورد باید اشاره کنیم که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اقدامات اساسی زیادی در جهت خدمات رسانی به نقاط روستایی صورت گرفت، ولی به دلیل همراه نبودن این اقدامات با گسترش زمینه‌های اشتغال در نقاط روستایی و همزمان با آن، افزایش جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرهای بزرگ، روند مهاجرت روستاییان کماکان ادامه پیدا کرد.

۳) در سطح محلی: با توجه به تأخیری که در موج شهرنشینی ایران نسبت به کشورهای غربی صورت گرفته است، مدیریت‌های شهری، تجربیات و ابزار علمی کافی برای مقابله با مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی را نداشته‌اند. اگر چه اقدامات موثری در سال‌های بعد از انقلاب، جهت تقویت مدیریت‌ها و سازمان‌های شهری به عمل آمده است. لیکن به دلیل کافی نبودن این اقدامات از سویی و انتقال دائمی مشکلات روستایی به شهرهای بزرگ از سوی دیگر، مدیریت‌های شهری موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. شوماخر در ارتباط با انتقال مشکلات روستاها به نقاط شهری اظهار می‌دارد: بیکاری روستایی موجب مهاجرت‌های توده‌وار به شهرها می‌گردد... [و در حقیقت] بیکاری روستایی به بیکاری شهری مبدل می‌شود. (احمدیان، ۱۳۸۳)

۴- بررسی قوانین مرتبط با حاشیه نشینی و عملکرد در باره آن

ماده ۱۰۰ قانون شهر داری مقرر داشته است «شهر داری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه بوسیله مامورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع شده باشد جلوگیری نماید» حال اگر شهر داری‌ها در اعمال مقررات این ماده تعلل یا مسامحه نمایند و در خشت اول جلوی ساخت و ساز غیر مجاز را نگیرند به طبع در مناطقی که مستعد برای شکل‌گیری حاشیه نشینی است هر صبح شاهد روییدن ساختمانهای غیر رسمی در آن مناطق خواهیم بود که به مرور زمان تبدیل به یک منطقه حاشیه نشینی می‌شوند.

نقش هیاتهای حل اختلاف ثبتی نیز نباید مورد اغماض قرار گیرد. علیرغم اینکه قانونگذار در مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت برای شرایط خاص و ویژه ای امکان ارائه سند رسمی مالکیت پیش بینی کرده است متأسفانه در عمل بسیاری از موارد این مقررات رعایت نشده و به صرف گزارش‌های کارشناس یا خبره ثبتی مبنی بر اینکه در محل اعیانی که سابقاً احداث شده وجود دارد و ارائه سندهای عادی (قولنامه) به صدور سند رسمی مالکیت مبادرت می‌نمایند و توجهی به منشا مالکیت فرد و اینکه آیا به نحو صحیح به ایشان منتقل شده یا خیر؟ آیا اصول شهر سازی در ساخت و ساز محل رعایت شده یا نه؟ ندارد. وجود سند رسمی در دست ساکنین محلهای غیر رسمی حقی برای آنها ایجاد می‌نماید که بر خورد با چنین پدیده‌ای را مشکل می‌نماید.

طبق ماده ۸ قانون منع واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن... مصوب ۱۳۸۱ کلیه سازمانها، موسسات و شرکتهای تامین کننده خدمات آب و برق و گاز و تلفن و نظایر آنها خطوط و انشعاب ساختمانها را بر حسب مراحل مختلف عملیات ساختمانی فقط در قبال ارائه پروانه ساختمانی، گواهی عدم خلاف یا گواهی پایان کار معتبر واگذار نمایند و واگذاری امتیاز یاد شده به واحدهای مسکونی و صنفی و

هرگونه بنایی غیر مجاز احداث می‌شود ممنوع است.

کمیسیونهای ماده ۱۰۰ قانون شهرداری نیز در رواج حاشیه نشینی موثر می‌باشد با عنایت به اینکه جریمه های مورد حکم در کمیسیونهای ماده ۱۰۰ یکی از منابع تامین در آمد شهر داری می‌باشد در بیشتر مواقع شهرداری ها تمایلی به صدور احکام تخریب و قلع و قمع نداشته و از صدور حکم جریمه در این کمیونها استقبال می نمایند و در عمل نیز هر چند نماینده شهرداری که در کمیسیون حضور دارد بدون حق رای می‌باشد ولی ابتکار عمل دست ایشان بوده و بنا به جهت و توجیهاات موجه و غیر موجه نظر اعضای کمیسیون را به سوی صدور احکام جریمه بجای قلع و قمع سوق می‌دهد.

علاوه از آن بلااجرا ماندن احکام نادر تخریب که از سوی کمیونها یاد شده صادر می‌شود نیز مزید بر علت می‌باشد. چه بسیار است احکام تخریب و قلع و قمع که مدت‌های مدیدی از صدور آن سپری شده و تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است و مرجعی هم علت عدم اجرای آن را پی‌گیری نکرده است. و ناراحت کننده تر و تأثرانگیزتر از همه آنها توافقاتی است که برخی شهر داری ها با محکومین به تخریب و قلع و قمع بعمل می‌آورد و علیرغم صدور حکم به تخریب و قلع و قمع برای اخذ جریمه با مالک موافقت می‌نماید. که نمونه های عملی زیادی قابل ارائه می‌باشد که همگی آنها دست به دست هم داده و روند حاشیه نشینی را تسریع می‌بخشند. البته اقدامات این نهادها و سازمانها در پاره ای موارد قابل تعقیب کیفری و اداری می‌باشد.

طبقه بندی و تشخیص زاغه ها

زاغه ها براساس شاخص جمعیت در سه طبقه: "الف) زاغه های همگن ب) زاغه های نا همگن ج)

زاغه‌نشینان مجرد" جای می‌گیرند و به لحاظ نوع واحد مسکونی در موارد زیر دیده می‌شوند:

۱) آلونک: خانه هایی که در شهرها و اطراف شهرها از سر هم بندی مصالحی مثل نایلون حلبی و برزنت

و چوب و سنگ و گل ساخته شده که ارتفاع کمی دارد.

۲) کپر: مسکنی که با حصیر و گاهی از خشت و در برخی نواحی از نی ساخته شده که روی آن را با نمد می

پوشانند.

۳) چادر: منظور از چادر آن دسته از واحدهای مسکونی است که از پارچه پشمی و نخی و مویی و نایلون و برزنت

ساخته و با تیرک های چوبی فلزی و طناب برپا می‌شود

۴) گرگین: مسکنی که دیوارهای آن با مصالح ساختمانی و سقف آن از حصیر است.

مشکلات حاشیه نشینان

- فقر اقتصادی اجتماعی و فرهنگی
- فقدان حداقل امکانات بهداشتی
- تحقیر اجتماعی به عنوان اعضاء بی طبقه جامعه
- عدم دسترسی و یا بی رغبتی نسبت به آموزش و پرورش و سواد آموزی
- بی بهره ماندن از خدمات شهری (شامل خدمات شهرداری-مرکز تفریحی آموزشی آب و برق و ...)
- اضطراب دائمی به علت استفاده غیر قانونی و غیر مجاز از زمین و یا آب و برق اطراف

...

پیامدهای حاشیه نشینی

مناطق زاغه نشین زمینه مناسبی برای جذب و پرورش بزهکاران و افزایش نا هنجاری ها و آسیب های اجتماعی از قبیل دزدی و جنایت و قا چاق مواد مخدر و روسپی گری و... ایجاد می کند. البته قابل ذکر است که همه ی ساکنان این مناطق این گونه نیستند بلکه فقط نسبت خشونت و خلاف در این مناطق بیشتر است.

۱- سیمای نامطلوب :

عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می آزارد ، ساختمانها تخریب شده و فرسوده شده نشان می دهد. گذرگاه ها و معابر پرپیچ و خم و کم عرض بوده و معمولا راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و

خطرات وجود ندارد .

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی :

حاشیه نشین ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است . انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است .

۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی :

اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست فروشی ، کاپن فروشی ، تکدی گری ، زباله دزدی ، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می آورند . بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل می باشند .

۴- وجود خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک :

در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می شود . و اجتماعیاتی **communities** در دل جامعه **society** رخ عیان می کند. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگ های شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی ، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می کند . خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد، به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می شود.

۵- تراکم جمعیت :

ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می دهد که علی رغم جوان بودن بیشتر رؤسای خانواده ها بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۴/۵ می باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد .

۶- فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات :

در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به بدوی‌ترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط جدای از آنکه باعث کم سواد شدن حاشیه نشینان شده است، موجب گردیده که تا فرآیند جامعه پذیری **socialization**، در میان کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین فرآیندی ناقص و عقیم باشد نقصانی که در رشد بالای انحرافات اجتماعی نمود می‌یابد. به صورت خلاصه به لحاظ پایین بودن سطح آگاهی و مشکلات معیشتی و فقدان امکانات آموزشی و غیره نرخ باسوادی بسیار پایین است. حدود ۲/۵ در صد افراد این مناطق میزان تحصیلات خود را در سطح دیپلم و فوق دیپلم بیان کرده‌اند. و افت تحصیلی و آموزشی شدیدی در این مناطق دیده می‌شود. نمونه فقدان امکانات آموزشی طرح تعطیلی بعضی مدارس حاشیه تهران و یک روز در میان تشکیل شدن کلاس‌ها برای دانش‌آموزان بود که در رسانه‌ها مطرح شد.

۷- اعتیاد :

از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد معمولاً در مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.

۸ - منبع و مرکز انحرافات و کجرویهای اجتماعی :

مارشال کلینارد می‌گوید : حاشیه نشینی مساله و عارضه ای شهری است و منشاء عمده بزهکاری و جرم می‌باشد.

آسیب‌های اجتماعی، سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاصی یافته است، به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت اجتماعی **social cognation** حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، **social class** یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش آنها به چشم می‌خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایات‌های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش‌های اجتماعی از موارد قابل ذکر هستند.

فقر و ناتوانی یا عدم تمایل بازار رسمی اقتصاد شهر، به جذب حاشیه نشینان، آنان را به بازار فعالیتهای غیر رسمی می‌کشاند. بازاری که بخشی از محصولات آن در زمره امور ممنوع و بزهکارانه مثل مواد مخدر، دزدی، فحشاء هستند. کمبود یا فقدان مراکز تامین خدمات امنیتی و انضباطی مانند پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در این مناطق آنها را بدل به مراکز امن و خالی از نظر برای افراد و گروههایی کرده است که به شیوه‌های بزهکارانه ارتزاق می‌نمایند.

۹- آشوب‌های اجتماعی:

حاشیه نشینی جایگاهی در امنیت ملی نیز دارد بخصوص در جهانی که قسمت اعظم سرکردگان آن حامی ما نیستند و ما برای آنها وصله ناجور محسوب می‌شویم. افراد سنین جوان با توجه به احساس محرومیت نسبی و عدم توانایی ارضای نیازهای خود به صورت بالقوه به ناراضی‌هایی تبدیل می‌شوند که ممکن است با وقوع هر حادثه‌ای یا با سازماندهی شدن به وسیله ارادل و اوباش و یا در قالب موب‌ها به برهم زدن امنیت عمومی و اخلال دست بزنند. نمونه شورش ۱۳۷۰ مشهد که از مناطق حاشیه نشین آن رقم خورده بود از این گونه است. این مسئله محدود به ایران نیست و حتی شورش‌های فرانسه در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ نیز به نوعی متأثر از این مسئله بود. به ویژه وقتی موب‌ها از یک قومیت خاص یا یک مذهب خاص باشند. بعضی از تحلیل‌گران حاضر در فرانسه به صورت نمونه احساس هویت دینی و آپارتاید مذهبی در فرانسه را از عوامل دامن زده شدن به احساس محرومیت نسبی و به تبع آن ناراضی‌تی در فرانسه می‌نامند.

کلیشی سن بوا، سن دو نی، ایولین و سایر محلات شورشی خیلی دور از پاریس قرار ندارند. آن‌ها گتوهای پاریس هستند و جزیی از پاریس بزرگند، آنها جهان سوم، در قلب جهان اول هستند. کلیشی سن

بوا محل شروع شورش یکی از فقیرترین شهرک های حومه پاریس است. ۸۰ در صد ساکنان آن مستاجران ساختمان های بتونی بلندی هستند که ۵۰ سال است تعمیر نشده است. نیمی از جمعیت آن زیر ۲۵ سال سن دارند و بیکاری جمعیت در این جا بیش از ۲۰ برابر سراسر کشور است. ۱۰ درصد رقم بیکاری در کل فرانسه و بین ۱۸ تا ۲۵ درصد در این محله . ۳۰ محله دیگری که شورش به آن ها سرایت کرده وضع بهتری ندارند. وقتی ارقام بیکاری بر اساس تقسیم بندی اجتماعی و جغرافیایی مقایسه شود، واقعیت تلخ خود را بیشتر به نمایش می گذارد. به نوشته بی بی سی رقم بیکاری کسانی که مدرک دانشگاهی دارند در کل فرانسه ۵ درصد است، اما آن ها که تبار آفریقایی دارند ۲۶.۵ درصد بیکاری دارند. رقم بیکاران در برخی محلات را ۵۰ درصد ذکر کرده اند که تمرکز فوق العاده بیکاران در یک محل را نشان می دهد. این وضعیت رغبت بسیاری از دانش آموزان را برای ادامه تحصیل از بین می برد و رقم بالایی از شاگردان بدون این که مدرک پایان تحصیل بگیرند مدرسه را ترک می کنند.

بعلاوه بسیاری از کسانی که جزو بیکاران به شمار نمی آیند، کاری که برای بدست آوردن روزی انجام میدهند با حداقل انتظارات برحقشان متناسب نیست. یک سازمان ضد نژاد پرستی گزارش داده است که بعضی شرکت ها تنها کسانی را برای بازار یابی استخدام می کنند که تا چند نسل فرانسوی الاصل باشند و علت را ضرورت آشنایی به فرهنگ فرانسوی ذکر می کنند. این در حالی است که طبق قانون تبعیض نژادی ممنوع است. البته در عمل می توان تبعیض نژادی را اعمال کرد بدون این که قانون را مخدوش نمود.

فقر و نژاد پرستی در گتوهای اروپا در هم آمیخته اند. علت عدم ادغام اروپایی مهاجر تبار، سیاست های نولیبرالی و فقر زاست. آن ها خارجی میمانند، حتی بعد از چند نسل، چون فقیر میشوند. به عبارت روشن تر چون سیاست های فقر زای نولیبرالی از تبعیض نژادی تغذیه می کند، آن ها را خارجی نگه می دارد. ایجاد شهروندان درجه یک و دو محصول این سیاست هاست و مهاجران بهترین طعمه آن و کثیر ترین جزء فقیران.

یک خبرنگار در گزارش خود در مورد شورش پاریس نوشته است یکی از جوانان ساکن یک محله شورشی به

او گفت شعار های ما شعارهای انقلاب کبیر فرانسه است آزادی، برابری و برادری...

۱۰- پیامدهای اجتماعی:

هویت قومی، پایبندی به سنت ها، فقدان تخصص، بی سوادی و کم سوادی، درآمد پایین و به خصوص فرهنگ مستقل حاشیه نشینی، منشا و محل تجمع کودکان فراری، کودکان خیابانی و کارتن خوابها، گروه گرایی و قوم گرایی شدید و همکاری با هم در فرا از قانون و عدم همکاری با مامورین انتظامی و مامورین دولت

۱۱- پیامدهای فرهنگی:

فرهنگ قانون گریزی، ضعف در تعلق به هویت شهری، واگرایی شدید نسبت به قوانین شهری، انزواطلبی، احساس غریبه بودن و بیگانگی، اختلال در هویت (این پدیده را برای اولین بار در جهان غرب روبروت اسی. پارک آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل و نیز ایورت استونگویست، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آنها، انسان حاشیه نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می یابد. بنظر آنها او آشنای بیگانه ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی داند. (مثنوی، عطاءالله)

۱۲- مسکن غیر قابل اطمینان در قبال حوادث طبیعی:

بسیاری از افراد در این مناطق، خانه سازی بر اساس اصول استاندارد ندارند و لذا اکثر این خانه ها در قبال حوادث طبیعی مانند زلزله و توفان هیچ مصونیتی ایجاد نمی کنند. شهرک های این مناطق با مواد و مصالح کم دوام و برخی جاها زاغه نشینی است. همچنین ساخت وساز در ابعاد کوچک و غیراستاندارد.

۱۳- پیامدهای روانشناختی:

پیشانی، بی هویتی (نداشتن هویت می تواند به نوعی افراد را نسبت به پیرامون خود بی توجه کند و برای کسب آن و دست یابی به یک پایگاه اجتماعی که از طریق آن خود را به اجتماع شهر نشینی نزدیک کند دست به هر کاری که آنان را از نظر مالی تامین کند، می زندند.) (غلامرضا شهریاری)

۱۴- پیامدها برای مدیریت شهری:

درجه بالای ریسک بی ثباتی محیط کسب و کار برای مدیران، تحمیل هزینه های پیش بینی نشده و سنگین بر مدیریت شهری، تحمیل تغییرات ناخواسته در برنامه ریزی های کلان

۱۵- توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار

۱۶- بلااستفاده ماندن بخشی از سرمایه گذاری های ناشی از ساخت و ساز به دلیل عدم

وجود امکانات و تاسیسات زیربنایی

۱۷- افزایش روند جذب در حاشیه های شهری علیرغم وجود معضلات انباشته قبلی (مهدی

دهقان)

۱۸- ضرورت ترجیح نظام توزیع متعادل بر رونق اقتصادی

۲۰- انجام رشد اقتصادی به موازات توزیع غیر متمرکز آن (سید سعید زاهد)

نمونه های از پژوهشهای انجام شده برای درک بهتر از وضعیت حاشیه نشینی در کشور

پژوهشی توسط آقای احمدیان و رضوانی با عنوان «بررسی تجارب بازسازی مناطقراغه نشین شهر تهران»

انجام شده است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی عملکرد شهرداری تهران و سایر نهادهای ذیربط در

ارتباط با بازسازی مناطق زاغه نشین شهر تهران در جهتارائه پیشنهادهایی جهت بهبود برنامه‌های در دست اجرای بازسازی این مناطق می باشد. ونتایج پژوهش به ترتیب عبارتند از :

واقع شدن بیشترین آلودگی های تهران در منطقه ۱۶ شهرداری؛

قرارگرفتن آلودگیها در حریم مسیلهها، دکلهای فشار قوی برق وزمینهای متروک و بایر؛

وجود دو نوع آلودگی: منفرد و مجتمع در تهران؛

وجود آلودگی های موقتی که محل اسکان کارگران ساختمانی است (احمدیان و رضوانی ۱۳۷۲)

علل مهاجرت‌های داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران، عنوان تحقیقدیگری است که آقایان هدایتی و منصوری در سال ۱۳۵۷ انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی مسیر مهاجرت‌های داخلی در ایران، شهر تهران و حاشیه نشینی در دنیا و تهران و سهم منطقه حاشیه‌ای تهران می پردازد. هدف از این تحقیق، مشخص کردن بعضی از ویژگیهای حاشیه نشینان است. پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع موجود و استفاده از آمار و ارقام و نقشه‌های موجود انجام شده است. و در پایان نتیجه می گیرند که ساکنین محله‌های حاشیه‌نشین عمدتاً از طبقات فقیر شهری تشکیل شده‌اند، درگیر مسائل مادیزندگی هستند و از بسیاری مواهب شهری و اقتصادی بی‌بهره‌اند. در سطح واحدهای حاشیه‌نشین و همچنین درون هر واحد به علت مدت اقامت حاشیه‌نشین در شهر، نحوه معاش و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوتها و تعارضاتی دیده می شود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوتها و تعارضاتی دیده میشود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم اقتصادی منطقه شهری شده‌اند و گروهی نیز در حاشیه این گونه مکانیزمها قرار گرفته‌اند (هدایتی و منصوری، ۱۳۵۷).

آقایعلیرضا دهقان نیز پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلودگی نشینان» در سال

۱۳۶۸ انجام داده است. این پژوهش به بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلودگی نشینان منطقه ۱۰

شهرداری تهران می پردازد. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی مبدأ و منشاء آلودگی نشینان محله مورد بحث،

علل آلونک نشینی، اشتغال و درآمد آلونک نشینان، بررسی علل فقدان انگیزه پیشرفت و وضعیت انحرافات و کجروی، قدر و منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به موضوع تخریب سازمانهای دولتی، نگرش نسبت به ارگانهای انتظامی و خدماتی، میزان رضایت از آلونک نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن. روش بررسی پیمایش و جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه همراه با پرسشنامه از ۱۰۵ خانوار ساکن در محله آلونکیخیابان زنجان جنوبی منطقه ۱۰ شهرداری بوده است. بر اساس نتایج آلونک نشینان منشأ روستایی دارند و از منزلت اجتماعی کمی برخوردارند. آنها از آلونکها نسبت به زندگی روستایی احساس رضایت بیشتری دارند، از انگیزه پیشرفت محدودی برخوردار هستند و تقدیرگرا هستند و بین آلونک نشینی با میزان درآمد، شغل، کجروی، سواد و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد (دهقان، ۱۳۶۸).

بررسی حاشیه نشین شهری، عنوان تحقیق است که در سال ۱۳۵۱ توسط علی حاج یوسفی به انجام رسیده است. هدف این پژوهش دستیافتن به راه حلهایی در زمینه آلونک نشینی در کل کشور است. روش تحقیق مطالعه اسنادی و مصاحبه های پراکنده با حاشیه نشینان است. یافته ها نشان می دهد گروههای حاشیه نشینان بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده اند و بیشتر کودکان بیمار و به سوء تغذیه مبتلا هستند. فقر فزاینده و عدم امکانات آموزشی، سطح پایین سواد را به دنبال دارد. میانگین درآمد خانوارهای حاشیه نشین حدود ده برابر پایین تر از میزان متوسط درآمد مورد نیاز برای تأمین «حداقل رفاه» است. دزدی، خرید و فروش مواد قمار - روسپی گری، جیب بری، قاچاقچیکگری و حرفه های ساده ساختمانی، صنعتی و کارگری فعالیتهای ساکنین هستند. بی قانونی عمومی نیز در این جوامع دیده می شود. (حاج یوسفی، ۱۳۵۱).

آقای غلامرضا لطیفینیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی - اقتصادی حاشیه نشینی در شهر تهران در طی سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۷۲» انجام داده است. هدف این تحقیق عبارت است از: شناخت، فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونی شان است. از فرضیه های این تحقیق رابطه شغل با حاشیه نشینی و رابطه مهاجرت و حاشیه نشینی می باشد. وی نتیجه گیری می کند که حاشیه نشینی معلول شهرنشینی شتابان و

رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است. تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در یکی دو شهر بزرگ کشور و عدم برنامه‌ریزی اجرایی در سطح ملی و متعاقب آن در سطوح منطقه‌ای و شهری و بخشی، باعث سردرگمی افزایش مشکلات شهرنشینی بخصوص در شهرهای بزرگ گردیده است و این در حالی است که این فرایند ادامه دارد. پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به ویژه در تهران از هم‌نقاط شهری دیگر کشور با اهمیت تر است و دلیل عمده آن تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. گسترش جمعیت شهری، افزایش جمعیت، پیامدهای بیشماری نظیر، فقر، مسائل بهداشتی، مسکن نابهنجار، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و ... را به دنبال دارد و این روند بعد از دهه پنجاه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ادامه داشته است. (لطیفی، ۱۳۷۷).

تحقیق‌دیگری با عنوان «بررسی آلونک‌نشینان ساکن در شهرک شوش» در سال ۱۳۷۰ توسط نرگس‌احمدیان صورت گرفته است. موضوع این پژوهش بررسی وضعیت آلونک‌نشینان شهرک شوش است که در خیابان دولت آباد، پشت مدرسه راهنمایی شهید عراقی مسکن گزیده‌اند. اهداف پژوهش‌شناخت وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد ساکن و شناخت تمایلات افراد ساکن، نسبت به‌مبدأ و مقصد مهاجرت هستند. روش بررسی پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌به صورت مصاحبه حضوری با نمونه‌ای مشتمل بر اعضای ۸۵ خانوار بوده است. طبق این پژوهش، اکثر این افراد ساکن در آلونکها در سن جوان قرار دارند. ۷۳ درصد افراد جامعه‌باسواد هستند اکثر افراد نمونه قبل از مهاجرت کارگر بوده‌اند و در حال حاضر نیز به‌کارگری مشغولند، البته درآمد روزانه‌شان در شهر بیشتر است. بیشتر افراد منطقه متأهل هستند و تقریباً ۵ - ۷ فرزند دارند. بیشتر افراد منطقه از آب لوله کشی و برق به‌صورت غیرمجاز استفاده می‌کنند و ۱ تا ۲ اتاقک در اختیار دارند. افراد ساکن در منطقه‌اکثراً به علل اختلافات قومی، نداشتن مسکن مستقل مجبور به مهاجرت شده‌اند و در حال حاضر مشکل نهایی و اساسی خود را عدم بهداشت منطقه و کمبود مالی می‌دانند و همگی در صورت توزیع امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و پزشکی و ... در روستاها و شهرستان حاضر به بازگشت هستند. (احمدیان، ۱۳۷۰).

رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران، عنوان پژوهشی است که توسط محمد صفایی پور انجام شده است. این تحقیق به بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران با توجه به رابطه آنها با سبک معماری و عوامل وجودی محلات فقیرنشین (مثلاً کوی نهم آبان) با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پیمایشی و جمع آوری اطلاعات از کتب و اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد صلاحیت دار، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز شدید سیاسی و اداری تهران، رشد سریع و غیرطبیعی این شهر رادر طی چهار سال اخیر موجب گردیده است و در حال حاضر از نظر فرم منازل و تأسیسات شهری و ساختمانهای دولتی آشفتگی و هرج و مرج شدید در این شهر به چشم می‌خورد. در تهران پارک‌هایی وجود دارد که با مناطق مسکونی فاصله زیادی دارد. تحمیل زندگی پارتمانی به مردم از اشتباهات دیگری است که در این شهر وجود دارد. کوی‌ها و محلات جدید که برای حل مشکل مسکن به وجود آمده‌اند، مورد استقبال چندانی قرار نگرفته‌اند. مهاجرت در این شهر روندی صعودی داشته که نتایج مثبت و منفی را به دنبال دارد. اجرای طرح کوی نهم آبان که برای حاشیه‌نشینان ساخته شده، به دلیل عدم برنامه ریزی و انتخاب مکان مناسب، تغییرات شغلی و درآمدی و ترک محل ساکنین آن، کمبود تأسیسات بهداشتی، پزشکی، خدماتی و آموزشی و یکنواختی واحدهای مسکونی، با عدم موفقیت روبرو گشت (صفایی پور، ۱۳۵۲).

پژوهشی نیز با عنوان «حاشیه‌نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن» توسط آقایان کمال اطهاری و بهزاد خالقیان صورت گرفته است، که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه ریزی شهری در کشور دارای نواقص و کاستی‌هایی است که عدم توجه به آن، رشد و تکوین ساخت و سازهای بدون برنامه را در خارج محدوده شهرها در پی داشته است و تازمانی که طرح‌های شهری اعم از طرح جامع، طرح‌های هادی، آماده سازی و یا شهر جدید نتواند کلیه اقشار اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد، این اقضار بطور طبیعی و در فرایندی کم و بیش خود به خودی، برنامه ریزی سکونتی مطابق با توان خود را در پشت‌دیوارهای قانونی شهرها پی ریزی خواهند نمود و این آغاز حاشیه‌نشینی است. (اطهاری و خالقیان، ۱۳۷۴)

پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر

گرایش به رفتار ضد اجتماعی» در سال ۱۳۷۷ توسط حمیدصدیقی به راهنمایی محمدصادق مهدوی انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و مشکلات آن در پیدایش و شیوع گرایش به رفتار ضد اجتماعی در میان ساکنان این مناطق می باشد. در این مطالعه، ارائه تعریفی از حاشیه‌نشینی در شهر تهران و خصوصیات و ویژگی های آن و همچنین مشکلاتی که این شکل از زندگی برای ساکنان چنین مناطقی به همراه آورده است اولین موضوع مورد بررسی این تحقیق را تشکیل می دهد. بررسی پیامدهای اجتماعی و روانی، خصوصاً گرایش به رفتار ضد اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و میزان تأثیری که مشکلات این نوع از زندگی در بروز چنین گرایشی دارد، هدف دیگری است که در این تحقیق دنبال می شود. وی در این تحقیق معتقد است که افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و فقدان زیرساختهای مناسب اقتصادی در کشورهای جهان سوم، منطبق‌فقر نشینی را در داخل و اطراف شهرها به وجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آنها ساکن هستند و در طول زمان نیز بر تعداد آنها افزوده می شود. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عده کثیری را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به تعداد این افراد، پیامدهای آن از وسعت زیادی برخوردار بوده و نظم اجتماعی را در کل جامعه متأثر می سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش بینی، ریشه یابی و کنترل آنها می باشد. محدودیتها و کمبودهایی که این مناطق با آنها روبرو هستند بخشی از جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار داده و انسانهایی را متأثر می سازد که عمدتاً به سرنوشت آنها نه تنها مشکلاتی را برای کل جامعه به همراه دارد، بلکه یک موضوع غیر اخلاقی نیز هست. در واقع، اخلاق اسلامی و انسانی مطالعه پیامدها و توجه به سرنوشت انسانها را ضروری می سازد تا از این طریق بتوان مسائل و پیامدها را برطرف کرده و به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از تنشها و بی نظمی ها حرکت کرد. در ضمن گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنش ها و انحرافات اجتماعی را غیر ممکن می سازد و هرگونه برنامه ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی و ریشه های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایشات می تواند به همراه داشته باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. البته بروز چنین گرایش هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز می

تواند داشته باشد ولی معمولاً انتظار می رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهای بیقرار گیرند که باعث می گردد آنها آمادگی بیشتری برای احراز چنین رفتارهایی داشته باشند. و در پایان نتیجه می گیرد که بین حاشیه نشینی و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی رابطه وجود دارد (صدیقی، ۱۳۷۷)

چالش های عمده حاشیه نشینی:

از جمله چالش های عمده حاشیه نشینی در کشور می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تحمیل هزینه های پیش بینی نشده و سنگین
- تحمیل تغییرات ناخواسته در برنامه ریزی های کلان
- توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار
- بلااستفاده ماندن بخشی از سرمایه گذاری های ناشی از ساخت و ساز به دلیل عدم وجود امکانات و تاسیسات زیربنایی
- افزایش روند جذب در حاشیه های شهری علیرغم وجود معضلات انباشته قبلی

چالش حاشیه نشینی و مدیریت شهری

معمولاً شهرنشینی و صنعتی شدن را مترادف متمدن شدن و توسعه می دانند چرا که در مقایسه با جامعه ماقبل صنعتی - سرمایه داری، انسان روستایی و یا قبیله ای پیوسته با فقر و بیماری، بیسوادی، غارت، کشتار و ظلم دست به گریبان بوده است. وضعیت جامعه فعلی بشری از منظر دستاوردهای عظیم آن قابل قیاس با گذشته ماقبل شهری و صنعتی شدن نیست.

اما اداره و ساماندهی جامعه نوین و توسعه فزاینده آن چنان پیچیدگیهایی ایجاد کرده که در اغلب موارد به درماندگیهایی ختم شده اند که امروزه با واژه بحران شناخته می شوند: بحران تروریسم، بحران جنگ ادیان یا تمدنها (ساموئل هانتینگتون)، بحران محیط زیست، بحران ایدز، بحران فقر و بالاخره بحران حاشیه نشینی شهری که این آخری مستقیماً در حوزه مدیریت شهری و توسعه قرار می گیرد.

حاشیه نشینی در حالی طی سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته که بنا بر گفته کارشناسان و آگاهان نه تنها تاکنون هیچ برنامه خاص برای سوی دولت در این باره ارائه نشده است بلکه مسولان و مدیران دولتی همواره باقرار دادن اراضی حاشیه ای شهرها در میان اراضی تحت پوشش شهرداری ها سعی در پاک کردن صورت مساله نیز داشته اند.

(عادلان و برابر کردن امکانات) حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ کشور دلایل زیادی از جمله تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ توزیع ناعادلانه موقعیت های شغلی و ثروت دارد. این معضل از سالهای پیش از انقلاب از زمان اجرای اصلاحات ارضی در حکومت پهلوی آغاز شد و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه و در سال های اخیر رشد قابل توجه ای داشت. * * * به نظر من حاشیه نشینی که امروزه دامنگیر شهرهای بزرگ می باشد به دلیل جاذبه شهرهای بزرگ می باشد و همچنین نبود امکانات و ظرفیتهای در روستاها و شهرهای کوچک است و طبیعتاً دولت با تدابیری که اتخاذ میکند نقش موثری در افزایش جاذبه روستاها و شهرهای کوچک ایفا میکند افزایش امکانات در شهرهای کوچک و روستاها تا مین نیازهای شغلی و همچنین بهره گیری از ظرفیتهای محیطی یک منطقه و تمرکز روی آن با توجه به اینکه شرایط اکولوژیکی هر منطقه با هم فرق دارد میتواند راه حل خوبی باشد * * * دکتر سید سعید زاهد، جامعه شناس درباره علت و راه مقابله با پدیده حاشیه نشینی در شهرها و کنترل آن معتقد است: «اگر از رونق اقتصادی کمتر برخوردار باشیم اما از نظام توزیع متعادل بهره مند شویم، پدیده حاشیه نشینی رو به افول خواهد گذاشت».

مساله اصلی در ایجاد و پیدایش پدیده حاشیه نشینی به گفته آقای زاهد، «توزیع نامتعادل امکانات است و نه میزان تولید آن. به همین سبب برای پیشگیری از به وجود آمدن این پدیده، باید رشد اقتصادی به موازات توزیع غیر متمرکز آن انجام شود

نتیجه گیری

تحولات اقتصادی و اجتماعی در گسترش و ایجاد این پدیده بسیار موثر بوده است. با مروری بر تمامی نظریاتی که به مسئله حاشیه نشینی پرداخته است می توان گفت مهمترین عامل موثر بر وقوع و گسترش این پدیده مشکلات اقتصادی است چه در نظریه های مبتنی بر مهاجرت، به دنبال کسب درآمد بالاتر به حاشیه شهرها پناه می برند و چه در نظریه های مبتنی بر بوم شناسی که جدایی گزینی اجتماعات شهری را به توان اقتصادی هر یک از گروهها در تامین مسکن و زمین نسبت می دهد. عوامل اقتصادی نقش کلیدی را در ظهور و گسترش حاشیه نشینی بازی می کنند لذا به منظور کنترل و در صورت امکان حذف این پدیده باید به ایجاد تعادل فضایی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی) در سطح مناطق دست یازید و ارائه برنامه های توسعه را متناسب با توانها و امکانات موجود آنها تدوین نمود در صورت تهیه چنین برنامه هایی تعادل فضایی در بین تمامی مناطق برقرار خواهد شد و جمعیت برای بدست آوردن منابع اقتصادی و اجتماعی برتر ناچار به انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر نخواهد بود.

تجربه جهانی نشان داده است اساسی ترین و مهمترین گام داشتن طرح و برنامه ریزی های راهبردی و جامع برای توسعه کشور است.

پیشنهاد

در جهان صنعتی امروز پدیده مهاجرت، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در اطراف شهرهای بزرگ و مناطق محروم شهری امریست اجتناب ناپذیر و از جمله چالشهای مهم فراروی مدیریت شهری است.

راهکارهایی برای مدیریت شهری:

۱. نظارت بیشتر دستگاه قضایی بر فعل و انفعالات درون شهری و برون شهری برای کنترل بی نظمی های اجتماعی و تصرف اراضی
۲. یک راهبرد بلند مدت می تواند ایجاد محدودیت در ادامه روند حاشیه نشینی از طریق جلوگیری از ورود تازه واردان به مادر شهرهای منطقه‌ای و کلان شهرها، از طریق راه حل‌های قانونی (مانند: وضع مقررات و قوانین) و یا راه حل‌های کالبدی (مانند: نوار سبز) و یا راه حل‌های نظارتی (در ارتباط با زمین‌های وسیع بلاصاحب و یا حریم رودخانه‌ها و یا دامنه‌های ارتفاعات)، مسدود گردد. وقتی محدوده‌ی شهر مستحکم گردید، کلیه‌ی حاشیه نشینان و زاغه نشینان داخل محدوده، بخشی از مردم شهر تلقی می‌شوند و باید مورد حمایت قرار گیرند، لیکن به دلیل مشکلات خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که دارند، این حمایت مستلزم راه‌کارهای خاصی می‌باشد که در سطور بعدی به آنها اشاره می‌کنیم. مسدود کردن راه ورود مهاجران به شهرهای بزرگ، نباید به معنای محروم نمودن آن دسته از کسانی باشد که مهاجرت را به عنوان مفری برای رهایی از فقر اقتصادی و دست‌یابی به شرایط بهتر زندگی، انتخاب می‌کنند. لذا همزمان با اقدامات فوق الذکر، می‌باید اقدامات لازم به منظور ایجاد تحولاتی ساختاری در برنامه‌های کلان ملی صورت گیرد تا از طریق ایجاد امکانات خدماتی و به خصوص زمینه‌های اشتغال، در نقاط روستایی و شهرهای کوچک، زمینه‌های تثبیت جمعیت در کانون‌های مهاجرفرست فراهم آید. شوماخر (Schumacher) در این ارتباط توصیه می‌کند: ضروری است بخش مهمی از تلاش‌های عمرانی به عوض شهرهای بزرگ، به ایجاد یک ساخت «کشاورزی - صنعتی» در نواحی روستایی و شهرهای کوچک اختصاص یابد
۳. توجه ویژه به فقرزدایی و توانمندسازی مناطق حاشیه نشین و گسترش عدالت اجتماعی به این مناطق.
۴. ضرورت ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا تا یک میلیون خانه مسکونی خالی از سکنه بوجود نیاید در حالی که جمعیت کثیری حتی قدرت پرداخت رهن و اجاره خانه را ندارند.
۵. برنامه های توسعه در دراز مدت باید از جمعیت مهاجر از روستاها و شهرهای کوچک بکاهند(البته این مورد فراتر از مدیریت شهری است. و باید در سطح دولت ملی بررسی شود).

۶. در استراتژی های درازمدت قیمت و رانت زمین شهری در کلانشهرهای کشور باید کنترل شود

۷. اجرای طرحهای پیشگیرانه با پشتوانه قضایی در این نواحی.

۸. پرهیز از استفاده از قوه مجریه و تخریب منازل مناطق حاشیه نشینی. برای جابجا کردن ساکنان زاغه‌ها

هزینه‌ی بسیار زیادی باید صرف گردد، که خیلی بیشتر از هزینه‌ی صرف شده برای بهسازی آنهاست. آثار منفی که جابجایی زاغه‌ای برجای می‌گذارد، متلاشی شدن شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی است. این ارتباطات اجتماعی به مردم کمک می‌کند که از عهده‌ی شرایط مشکل و سخت زندگی برآیند و نوعی احساس هویت و تعلق را در میان آنان تقویت می‌کند. مسأله‌ی دیگری که این جابجایی را با مشکل مواجه می‌سازد، تساوی حقوق و عدالت اجتماعی در زمینه‌ی مالکیت اراضی است، که با گذشت زمان به صورت یک مشکل سیاسی بزرگ نمودار می‌گردد. تخریب، پاک‌سازی و جابجا کردن ساکنان اراضی غیرقانونی، بدون در نظر گرفتن مکانی برای اسکان مجدد آنان، برای رفع این معضل شهری، روش مناسبی نیست. تخریب این مناطق شهری، معضل حاشیه نشینی را به جای تخفیف، تشدید می‌کند، زیرا آنان در مکان دیگری در شهر با شرایط بدتر و فقیرتری اسکان می‌گزینند. (هادیزاده، مریم)

طبق نظریه نیازهای مزلو، سرپناه به لحاظ فرهنگی، جزئی از آرمانهای انسان است. برای انسان جهان سومی هم خاندانشان شاید مهم‌ترین امتیاز زندگی باشد و برای مهاجر حاشیه نشین، خانه خراب شدن به تحقیق مهم‌ترین مصیبت است. بطور طبیعی تخریب سرپناه حاشیه نشین، ناآرامی، ناامنی، بی نظمی و اغتشاش رادر پی خواهد داشت. (خراطها، سعید)

۹. نخست باید نهادی نیرومند و درخور برای شناخت همه جانبه آن (بانکی اطلاعاتی، آن هم در کشور ما که ثبت مکان زندگی اجباری نیست و هیچ شهرداری ای چنین اجباری ندارد) به وجود آورد.

۱۰. باید نهاد مشخص متولی مسئله شهر نشینی معلوم شود و نقش همه نهادها در این مسئله به طور عینی

معین شود. به ویژه در مورد حاشیه نشین های خارج حریم شهری

۱۱. بازنگری طرحهای جامع و تفصیلی شهری، به منظور پیش بینی فضاهای مناسب برای تولید مسکن

کوچک، مقاوم و ارزان قیمت برای زوجهای جوان، خانواده های کم درآمد و...

۱۲. توانمندسازی و جلب مشارکت اجتماعی خود حاشیه نشینان : توانمند سازی: «با کمک ناچیز دولت قادرند مسکن، خوراک و پوشاک خود را فراهم آورند و در عین حال نوعی نیروی کار ذخیره‌ی حاضر و بیدرنگ برای فعالیت‌های در حال گسترش بخش رسمی [درون شهرها] را مهیا سازند.» روش توانمند سازی با تکیه بر توان‌های بالقوه‌ی حاشیه‌نشینان مطرح شده است و بر این اصل استوار است که دولت‌ها به عوض کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت حاشیه‌نشینان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌باید از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و فعالیت‌هایی از این قبیل، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی حاشیه‌نشینان و فقرای شهری را فراهم آورند.

۱۳. اصلاح و بهبود (بهسازی) به معنای بهبود شرایط زندگی از طریق ارائه‌ی خدمات اساسی مانند: آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب، مدرسه و همچنین اصلاح معابر، پرکردن گودال‌ها (احمدیان) از آنجا که اصل اساسی در بهسازی مناطق زاغه‌ای، قانونی کردن و نظم دادن به دارایی‌ها و اموالی است که شرایط متزلزل و ناامنی دارند و زمین‌هایی که به طور نامعلوم و نامشخص اشغال شده‌اند، بخش اصلی بهسازی محلات فقیرنشین، انتقال مالکیت زمین به اشغال کنندگان غیرمجاز زمین‌هاست، به قیمتی که آنها قادر به پرداخت و خرید زمین باشند. برنامه‌ریزان مسکن بیشتر به برنامه‌های خودیاری در زمینه‌ی بهسازی مسکن تأکید دارند. از نظر آنها برنامه‌های بهسازی تسهیلات زیربنایی در محلات حاشیه نشین، یکی از اجزای مهم برنامه‌ی جامع مسکن محسوب می‌گردد که باید هم از نظر تئوری و هم عملی کوشش‌های مردم را در توسعه‌ی تدریجی سکونت‌گاه‌هایشان حمایت و تکمیل کند. مهندسان و طراحان شهری به افزایش بهداشت عمومی در مناطق حاشیه نشین اهمیت می‌دهند. این گروه برخلاف برنامه‌ریزان مسکن علاقه‌ای به مشارکت عموم مردم ندارند. روش کاری آنها شامل یک طرح عظیم شهری در راستای روند در حال توسعه‌ی شهر می‌باشد که به طور مطلوب به کار گرفته شده است. سازمان دهندگان جامعه بر سازمان دهی افراد جامعه تأکید زیادی دارند. آنها به این اصل معتقدند که افراد فقیر برای رسیدن به سود مشترک باید با یکدیگر همکاری نمایند. برای آنها مهم نیست که چه چیزی ساخته شود، آنها به چگونه ساختن تأکید دارند. از نظر آنها کمبود خدمات موجود در مناطق حاشیه‌نشین از غفلت عده‌ای از مسؤولان ناشی می‌گردد. سیاست

مداران و دولت مردان اجرای پروژه‌های زیربنایی در مناطق حاشیه‌نشین را، یک راه حل مؤثر جهت کمک به افراد فقیر جامعه می‌دانند. سطح پایین استاندارد و تسهیلات زیربنایی در مناطق حاشیه نشینی شهر سبب به خطراتادن اعتبار و شهرت دولت مردان می‌شود. از دید آنها تکیه بر مردم جهت تداوم برنامه‌های مهم، ضروری است. سرمایه گذاران بین‌المللی بهسازی مناطق فقیر حاشیه را نوعی سود رسانی به افراد می‌دانند که مغایرتی با اهداف توسعه‌ی روستایی ندارد. آنها بر بازیافت سرمایه از سوی افراد ذینفع تأکید زیادی دارند و آن را یک توجیه اقتصادی برای اجرای پروژه می‌دانند. آنها معتقدند اگر افراد ذینفع قادر به بازپرداخت نباشند، باید سطح پایین تر تسهیلات زیربنایی را انتظار داشته باشند. ساکنان مناطق حاشیه نشین، این گروه نمی‌خواهند صدمه‌ای از سوی مقامات دولتی متوجه آنها شود. آنها اجرای پروژه‌های زیربنایی را وسیله‌ای مؤثر برای به دست آوردن اندک چیزی از دولت می‌دانند که این برای آنها از هیچ بهتر است.

۱۴. فراهم کردن زمین جهت توسعه‌ی مسکن سازی غیررسمی.

۱۵. حمایت و اعمال مدیریت دولت در ایجاد تسهیلات زیربنایی؛

۱۶. حمایت از پیمانکاران بخش غیررسمی؛

۱۷. حمایت دولت از تولید کنندگان کوچک مصالح ساختمانی؛

۱۸. حمایت از نظام‌های مالی مردمی و غیررسمی؛

۱۹. حمایت دولتی از احداث واحدهای مسکونی اجاره‌ای ارزان؛

۲۰. اصلاح قوانین و مقررات ساختمانی. (هادیزاده بزاز، مریم)

فهرست منابع:

- ۱- سرطان اجتماعی فساد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۸۶
- ۲- بعد اجتماعی و نابرابری فضایی، عماد افروغ، انتشارات بقعه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷
- ۳- تاثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم، رضا مسعودی فر، دانشجوی دکترای تشخیص جرم، سمینار شهرها و مردم
- ۴- چالش حاشیه نشینی و مدیریت شهری، تدبیر سال پانزدهم، شماره ۱۵۲، دی ۸۳
- ۵- (حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حل ها، احمدیان، محمد علی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر - اسفند ۱۳۸۲، (از صفحه ۲۷۶ تا ۲۹۶))
- ۶- حاشیه نشینی، مهدی دهقان، مقاله برنامه ریزی شهری درس جغرافیای شهری
- ۷- معرفی کتاب حاشیه نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان، هادی زاده بزاز، مریم، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر - اسفند ۱۳۸۲
- ۸- محلات ناهنجار شهر تهران (مورد: محله غربت)، خراطها، سعید، مجموعه مقالات همایش حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی
- ۹- حاشیه نشینی، یک معضل اجتماعی، مثنوی، عطاءالله، مجموعه مقالات همایش حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی